

Spring and Summer 2024, 1 (1), 158-170.

## The archaism of Shushtari historians in the Pahlavi period, with emphasis on Mohammad Ali Imam and Abbas Mehrin

Masoud Valiarab<sup>1✉</sup> 

1. Corresponding Author, PhD in History of Islamic Iran and Secretary of Education of KHUZESTAN, SHUSHTAR, IRAN.  
E-mail: masoudvaliarab1397@gmail.com

---

### Article Info

**Article type:**  
Research

**Article history:**

Received: 14 December 2023  
Accepted: 12 March 2024  
Published online: 10  
September 2024

**Keywords:**

Imam Shushtari, Abbas Mehrin, Archaism, Scientific Research, Pahlavi Period.

### ABSTRACT

Antiquarianism was considered to be one of the intellectual components of the Qajar and Pahlavi periods, so that many Iranian poets and writers became interested in antiquarianism. The works of Fath Ali Akhundzadeh and Agha Khan Kermani or the publication of the Kaveh and Iranshahr magazines in Berlin (1914-1918) were influential in the spread of antiquarianism. Writers and historians such as Seyyed Mohammad Ali Imam and Abbas Mehrin Shushtari were among those who had a great desire to retell the stories, advice, regulations, and deeds of the kings of ancient Iran, and praised the justice of Ardashir Babakan (224-240 AD) or Khosrow I (531-579 AD) and the establishment of Jundishapur University during the reign of Shapur I (240-270 AD). These two writers were from the scientific and cultural Shushtari families and in their works they also spoke about the Prophet Muhammad and praised his family. However, they hated the Islamic Caliphate era and expressed this dissatisfaction in different ways. The question of this research is based on how archaism is presented in the works of Imam Shushtari and Mehrin Shushtari.

---

**Cite this article:** Valiarab, Masoud, Initial. (2024). The archaism of Shushtari historians in the Pahlavi period, with emphasis on Mohammad Ali Imam and Abbas Mehrin. *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 1 (1), 158-170.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nriihs.2025.2055089.1035>

---

سال اول، شماره اول (پیاپی ۱)، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ۱۵۸-۱۷۰.

## باستان‌گرایی مورخان شوشتری در دوره پهلوی؛ با تأکید بر محمد علی امام و عباس مهرین

مسعود ولی عرب<sup>۱</sup> ✉

۱. دکتری تاریخ ایران اسلامی و دبیر آموزش و پرورش خوزستان، شوشتر، ایران. رایانامه: masoudvaliarab1397@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳</p> <p>پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰</p>	<p>به نظر باستان‌گرایی یکی از مولفه‌های روشنفکری در دوره فاجار و پهلوی بوده است؛ به نحوی که بسیاری از شاعران و نویسندگان ایرانی به باستان‌گرایی علاقه‌مند شدند. آثار فتحعلی‌آخوندزاده و آقاخان کرمانی یا چاپ مجله کاوه و ایرانشهر در برلین (۱۹۱۴-۱۹۱۸م) در گسترش باستان‌گرایی تأثیرگذار بود. نویسندگان و تاریخ‌نگارانی مانند سید محمد علی امام و عباس مهرین شوشتری از جمله کسانی بودند که تمایل بسیاری در بازگویی داستان‌ها، اندرزنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و کارنامه‌های پادشاهان ایران باستان داشته و از دادگری‌های اردشیر بابکان (۲۲۴-۲۴۰م) یا خسرو اول (۵۳۱-۵۷۹م) و تأسیس دانشگاه جندی‌شاپور در دوره شاپور اول (۲۴۰-۲۷۰م) ستایش‌ها کردند. این دو نویسنده از خاندان‌های علمی و فرهنگی شوشتری بوده و در آثار خود از پیامبر اکرم (ص) نیز سخن گفته و اهل بیتش را مدح کرده‌اند. با این حال، آن‌ها از دوران خلافت اسلامی تفر داشته و به شکل‌های متفاوتی این نارضایتی را نشان داده‌اند. پرسش این پژوهش بر این استوار است که در آثار امام شوشتری و مهرین شوشتری باستان‌گرایی چگونه ارائه شده است؟</p>
<p>کلیدواژه‌ها:</p> <p>امام شوشتری، عباس مهرین، باستان‌گرایی، پژوهش‌های علمی، دوره پهلوی.</p>	

استناد: ولی عرب، مسعود (۱۴۰۳). باستان‌گرایی مورخان شوشتری در دوره پهلوی؛ با تأکید بر محمد علی امام و عباس مهرین. پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال اول، شماره ۱ (۱)، ۱۵۸-۱۷۰.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

## ۱. مقدمه

مقوله باستان‌گرایی برای نخستین بار در نوشته‌های فتحعلی آخوندزاده و آقاخان کرمانی خود را نشان داد. در دوره پهلوی این اندیشه گسترش بیشتری یافت. به نظر، باستان‌گرایی یکی از اشکال مهم روشنفکری بوده و دانستن زبان پهلوی و اوستایی و حتی آموختن خط میخی هخامنشی هواخواهان فراوانی داشته است. افرادی مانند ابراهیم پورداوود، محمدتقی بهار، علی‌اکبر دهخدا و سعید نفیسی در ادبیات و فرهنگ ایران باستان و حسن پیرنیا، عباس اقبال آشتیانی، غلامرضا رشید یاسمی، عنایت‌الله رضا و رضا رضازاده شفق در اندیشه رسیدن به ایرانی آباد و آزاد از بند استعمارگران روسیه و انگلیسی اقداماتی انجام دادند.

پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م) اندیشمندانی در آلمان و شهر برلین جمع شدند و با چاپ مجله کاوه و سپس ایرانشهر تلاش کردند روحیه ملی و ملی‌گرایی ایرانیان را افزایش دهند. سید حسن تقی‌زاده مدیر کاوه و حسین کاظم‌زاده مدیر ایرانشهر از پژوهش‌های مهم و جدید عالمان ایرانی همچون محمد قزوینی، محمدعلی جمال‌زاده، رضا تربیت، اسماعیل امیرخیزی، ابوالحسن حکیمی، مشفق کاظمی، احمد فرهاد و حسین نفیسی استفاده کردند. با توقیف مجله کاوه و ایرانشهر و حکومت رضاشاه در ایران، بسیاری از روشنفکران از اروپا به ایران بازگشتند و تلاش کردند در ساختار حکومت پهلوی صاحب مقام شوند. از جمله این افراد می‌توان به علی‌اکبر داور، عبدالحسین تیمورتاش و سیدحسن تقی‌زاده اشاره کرد. از نویسندگانی که در ساختار قدرت کمتر حضور داشت، می‌توان به احمد کسروی اشاره کرد. پارسی‌پور روایت کرده است که کسروی متن کارنامه اردشیر بابکان را از پهلوی به فارسی ترجمه و آوانویسی کرد و به چاپ رساند (پارسی‌پور، ۱۳۸۰: ۲۴۱). او در برهه‌ای از زندگی خود در وزارت عدلیه حضور داشت

و سپس از آن خارج شد و کم‌کم به تاریخ‌نگاری روی آورد. ابتدا در نوشته‌هایش در پیراستن زبان فارسی از واژگان عربی کوشید و سپس به رد اسلام پرداخت و در سال ۱۳۲۴ به قتل رسید.

باستان‌گرایی در شعر ایران با مهدی اخوان ثالث به اوج خود رسید و شاعران دیگری همچون سیاوش کسرایی، فریدون مشیری نیز در اندیشه ایران باستان بوده و اشعاری در این باب سرودند. علی‌اشرف نظری، در پژوهش خویش به نام «گفتمان هویتی تجددگرایان ایرانی در انقلاب مشروطیت» درباره این موضوع مطالبی آورده است (اشرف نظری، ۱۳۸۸: ۳۲۳-۳۴۵). او در پژوهش دیگر خود به نام «ناسیونالیسم و هویت ایرانی مطالعه موردی دوره پهلوی اول» می‌کوشد تا نظرهای تازه‌ای درباره دوره پهلوی به مخاطبان عرضه کند (اشرف نظری، ۱۳۸۶: ۱۴۱-۱۷۲). غلامعلی سلیمانی و علی‌آزرمی در پژوهش «ملی‌گرایی باستان‌گرا و بحران در هویت انسان ایرانی» به این موضوع پرداخته‌اند (سلیمانی و آزرمی، ۱۳۹۶: ۲۰۷-۲۲۳). جمشید بهنام از دیگر محققانی است که در پژوهش‌های خود با عنوان «ایرانیان و اندیشه تجدید» یا «برلنی‌ها اندیشمندان ایرانی در برلن» به این موضوع پرداخته است (بهنام، ۱۳۷۴؛ همو، ۱۳۷۹). احمدپور در پژوهش خود درباره اشعار مهدی اخوان ثالث، تا حد زیادی به موضوع باستان‌گرایی و اشکال مختلف آن پرداخته است (احمدپور، ۱۳۷۴). رضا بیگدلو در اثر مهم خود «باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران» بر آن بوده است تا اشکال و پیامدهای باستان‌گرایی در ایران معاصر را داوری کند (بیگدلو، ۱۳۸۰). با این حال تاکنون پژوهشی درباره باستان‌گرایی تاریخ‌نگاران شوشتری در دوره پهلوی نوشته نشده است.

## ۲. تعریف باستان‌گرایی

درباره فرودوسی و شاهنامه در این مجله به چاپ رسید (میلانی، ۱۳۸۲: ۱۶۷ و ۱۷۰).

### ۲-۳. نشریه/یرانشهر

مدیر این نشریه طرفدار ایران باستان و زبان و فرهنگ ایرانی بود. دست اندرکاران این نشریه عقیده داشتند که روح ملی باید گسترش یابد؛ به همین دلیل پدیدآورندگان این مجله متهم به شوونیسم و تبلیغ درباره نژاد آریایی و زرتشتی‌گری شدند. به نظر، تمایل به ایران باستان و نژاد آریایی، در آن دوره به دلیل گسترش پژوهش‌های باستان‌شناسی و زبان‌شناسی در جهان بود. پژوهش‌هایی که از عظمت فرهنگ ایران باستان سخن می‌گفت (بهنام، ۱۳۷۹: ۸۹-۹۰).

کازم‌زاده مدیر مجله یرانشهر بر این عقیده بود که ایرانیان قرن‌های زیادی زیر فشار گروه‌ها و استعمارگران مختلفی بوده‌اند و از سوی دیگر بزرگی و عظمت ایران باستان، روح ایرانی را از مرگ نجات داده و به آن زندگی دوباره بخشیده است. اولین شماره این مجله در سال ۱۹۲۲م و آخرین آن یعنی شماره ۴۸، در سال ۱۹۲۷م چاپ شد. در این مجله جمعاً ۲۳۶ پژوهش به چاپ رسید (بهنام، ۱۳۷۹: ۸۸-۹۱).

### ۴. تاریخ‌نگاران شوشتری در دوره پهلوی

شوشتر شهری قدیمی در استان خوزستان است که مدت‌های طولانی مرکز تحولات سیاسی و اجتماعی این استان بوده است. در دوره پهلوی اول اتفاقات مختلفی در این شهر روی داد که از موضوع این مقاله خارج است. از مورخان مهم شوشتری که در دوره پهلوی رشد کردند محمدباقر نیرومند، محمد مهدی شرف‌الدین، محمدعلی امام و عباس مهرین شوشتری را می‌توان نام برد.

کتاب‌های محمدباقر نیرومند بیشتر درباره ادبیات بوده و تک‌نگاری تاریخی از او به نام یادی از شوشتر به یادگار مانده

باستان‌گرایی شیوه نوینی است که جامعه و فرهنگ ایرانی، در دو قرن اخیر با آن روبرو شد. ایرانیان به نظر نخستین قومی بودند که در برخورد با معادله «عرب به معنای اسلام»، این معادله را شکستند و با اینکه اسلام را پذیرفتند، اما عرب نشدند. زبان فارسی پیونددهنده فرهنگ ایران باستان به ایران دوره اسلامی و مهم‌ترین بخش قومیت ایرانی شمرده می‌شود (بیگدلو، ۱۳۸۰: ۱۹ و ۲۳). باستان‌گرایی این است که از واژگان یا ساختارهایی که در زبان امروزی به کار نمی‌روند؛ استفاده کنیم. به عبارت دیگر، باستان‌گرایی ادامه زبان قدیمی در مسیر زبان معاصر است و در دو شکل خود را نشان می‌دهد (احمدپور، ۱۳۷۴: ۸۳-۸۵):

#### ۱. باستان‌گرایی واژگانی

#### ۲. باستان‌گرایی نحوی

#### ۳. کانون‌های نویسندگان باستان‌گرای ایرانی

#### ۱-۳. مجله کاوه

بسیاری از نویسندگان ایرانی، تجدد و نوسازی را با غرب‌گرایی یکی تصور کرده و آن را نقد می‌کنند؛ گاهی نیز به عکس فرهنگ غرب را مهم می‌دانند و فرهنگ ایرانی را عقب‌افتاده تصور می‌کنند، بی‌آنکه در مورد تجددخواهی در ایران آگاهی عمیقی داشته باشند. مسئولان مجله کاوه بر این عهد بودند که فرهنگ اروپایی را در ایران رواج دهند و بر آن آرزو بودند که وحدت ملی و پاسداری از ملیت ایرانی را در میان ایرانیان، بیش از قبل رواج دهند. نخستین شماره این مجله در سال ۱۹۱۶م به چاپ رسید (بهنام، ۱۳۷۴: ۱۰۹ و ۱). عباس میلانی عقیده دارد که این مجله یکی از درخشان‌ترین نشریات تاریخ مطبوعات ایران است و به همت گروه میهن‌پرستان ایرانی در برلین (برلن) چاپ می‌شد. آخرین شماره آن یعنی شماره ۵۲، در سال ۱۹۲۲م به چاپ رسید. پژوهش‌های مهمی از حسن تقی‌زاده به ویژه

است. او در این اثر از دوره پیشدادیان، کیانیان و ساسانیان، به ویژه از اقدامات شاپور اول در شوشتر تمجید کرد. نیرومند ادیبی ماهر بوده و درباره فرهنگ شوشتر چندین کتاب تألیف کرده است.

محمد مهدی شرف‌الدین شوشتری فقیهی برجسته و علاقمند به تاریخ، باستان‌شناسی و جغرافیای ایران بود. یکی از آثار او تاریخ شوشتر نام دارد که متأسفانه هنوز به چاپ نرسیده است. نویسندگان این مقاله، نسخه‌ای از این کتاب را در اختیار داشته‌اند.

### ۵. زندگی‌نامه محمد علی امام شوشتری

محمد علی امام شوشتری در یکی از خاندان‌های برجسته علمی و فرهنگی در شوشتر در سال ۱۲۹۸ زاده شد. او از سوی پدر به خاندان جزایری و از سوی مادر به خاندان شیخ جعفر شوشتری نسب می‌رساند. در ابتدای دوره پهلوی به عنوان دبیر وزارت معارف (فرهنگ؛ آموزش و پرورش) خدمت می‌کرد و از موسسان مدرسه‌های جدید شهر شوشتر بود. سپس به اداره گمرگ رفت. او در سال ۱۳۳۷ بازنشسته شد و چند سالی به دلیل درد چشم، خانه‌نشین بود که بعدها درمان شد.

محمد علی امام بسیاری از آثارش را پس از سال ۱۳۴۰ تألیف کرد. در آثارش، میهن‌دوستی و باور به پیشرفت ملت ایران دیده می‌شود. او همچنین عقیده داشت که زبان فارسی استعداد عظیمی برای پژوهشگران در علوم مختلف داشته است. ویژگی دیگر او، کوشش‌های موثر در وحدت ملت ایران و عظمت تمدن ایران باستان بود (همایون فرخ، ۱۳۵۱: ۳۶-۳۵؛ همو، ۱۳۵۱: ۹۳۴-۹۳۶). امام شوشتری اولین پژوهش خود را در سال ۱۳۳۱ با نام تاریخ جغرافیایی خوزستان نگاشت. این کتاب، در حقیقت کتاب ناتمام برادرش سید نورالدین بود که سید محمد علی کوشید با ایده‌های جدید، آن را کامل کند. او ظاهراً بسیار زودرنج بوده و از

سخنان منتقدان درباره کتاب و پرسش آنان از دلیل درج نام او به عنوان مؤلف به جای نام برادرش بر روی جلد کتاب، بسیار آزوده شد. بنابراین جلد‌های دیگر این کتاب را چاپ نکرد و تا ده سال پژوهش دیگری از او چاپ نشد. او سپس مقاله «یک سکه نادرالوجود» را نوشت. محمد علی امام و در سال ۱۳۵۱ به دلیل بیماری سرطان در گذشت. امام شوشتری در زمینه دادرسی ایران باستان و روزگار اسلامی، فقه اسلامی، موسیقی و سازهای ایرانی، زبان‌شناسی، جغرافیای تاریخی ایران، کشاورزی در ایران باستان و تأثیر ادبیات فارسی بر ادبیات عرب تحقیقات درخور توجهی انجام داد.

امام شوشتری در نوشته‌های خود از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان سخن گفته است. در مقاله «تسویه یا تفضیل در حقوق اسلامی» دوره طلایی امام علی (ع) را برای ایرانیان یادآور شده و به این موضوع اشاره شده است که علی (ع) امام اول شیعیان، بیت‌المال را میان عموم مردم، عرب و غیر عرب، به طور مساوی می‌بخشید (همو، ۱۳۴۸: ۴۰-۴۹). امام شوشتری دانش عمیقی در ادبیات عرب و انگلیسی داشت و روزگار طولانی دبیر زبان انگلیسی و عربی مدرسه‌های شوشتر بود و سپس به پژوهش در تاریخ ایران باستان و تأثیر آن بر تاریخ اسلام پرداخت. او تلاش کرد ثابت کند که علوم اسلامی در بسیاری از زمینه‌ها، سرچشمه از علوم و هوشمندی ایرانیان داشته است.

### ۶. پژوهش‌های سید محمد علی امام شوشتری

#### ۱-۶. جغرافیای تاریخی و سکه‌شناسی

محمد علی امام در جغرافیای تاریخی خوزستان، نژادهای باستانی را واکاوی کرده و از پژوهش‌های باستان‌شناسی استفاده کرده است. آثار باستانی در شوش، شوشتر، جندی‌شاپور، دزفول و ایذه مورد علاقه نویسنده بوده و برای مکان‌های تاریخی نام‌های باستانی بیان کرده است؛ برای

نمونه رودخانه شاهپور را به جای شاورور به کار برده است (امام شوشتری، ۱۳۳۱: ۷۳-۱۲۸-۱۲۹). مقاله «درباره یک سکه ناشناخته (نادرالوجود)» درباره سکه‌ای است از دوران اسلامی که سید محمدعلی آن را نزد برادرش سید نورالدین مشاهده کرده بود (امام شوشتری، ۱۳۴۱: ۳۷۷-۳۷۹). امام شوشتری در اثر دیگرش با عنوان «یک لشکر کشی تاریخی از راه خلیج فارس» در مورد لشکرکشی ایرانیان به یمن در عصر خسرو اول انوشه‌روان (۵۳۱-۵۷۹م) پرداخته و عقیده دارد که این نبرد تاریخی، ارزشی بیشتر از جنگ ترموپیل داشته و مقام ایرانیان در نبرد یمن، تاکنون به درستی در تاریخ ثبت نشده است (امام شوشتری، ۱۳۴۵الف: صص ۶۹-۸۸).

در مقاله «سرزمین پهلویان در روزگار ساسانی و اشکانی» تلاش کرده تا نشان دهد سرزمین پهلویان (فهلویان- پهلوی- پرتوه) در مغرب ایران جای داشته و با توجه به گزارش‌های جغرافیایی و تقسیم‌بندی عصر عباسیان کوشیده تا گزاره‌های خویش را ارزیابی کند. البته گزارش‌های وی با شواهد باستان‌شناسی منطبق نیست، ولی او پافشاری فراوانی بر گفته‌های خود داشته است (امام شوشتری، ۱۳۴۶: ۱۵۳-۱۶۷). در مقاله دیگری به نام «دریای مکران و پارس» می‌کوشد با ذکر شواهد و مستندات جغرافیایی و گزاره‌های تاریخی، ایرانیان را به ارزش واژه مکران و پارس آگاه سازد. وی شواهدی باستان‌شناسانه از دوره‌های هخامنشیان و ساسانیان تا دوره تیموریان را ذکر کرده مبنی بر اینکه همواره برای اشاره به این دریا از عنوان دریای مکران و پارس استفاده شده است نه نام دریای عمان که استعمارگران اروپایی به کار بسته‌اند. او در این مقاله از پژوهشگران می‌خواهد از نام بردن دریای عمان در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خویش پرهیز کنند و همیشه نام دریای مکران و پارس را به کار گیرند (امام شوشتری، ۱۳۴۷الف: ۳-۱۸). با این حال نظر او در این مورد اشتباه است. سابقه کاربرد نام دریای

عمان دست‌کم به هزار سال پیش می‌رسد و به کار بستن آن ربطی به استعمارگران ندارد. قطران تبریزی در سده ششم هجری گفته است: «مگر گنجور نعمانی و یا دریای عمانی» (قطران تبریزی، ۱۳۳۳: ۳۶۱).

در پژوهش دیگرش با عنوان «کشور عراق از دیدگاه فرهنگ و تمدن رنگ ایرانی دارد نه عربی» ابتدا کوشیده است واژه عراق را از نظر لغوی بررسی کند:

... در بخش‌بندی‌های کشوری (روزگار ساسانی)، هر استان به چند تسوگ (درعربی طسوج) و هر تسوگ به چند روستاگ (درعربی روستاق) بهره می‌شده و هر روستا چند دهه داشته است (امام شوشتری، ۱۳۴۷ب: ۱۹۷)

به نظر امام شوشتری همه موارد از عصر ساسانی به دوره اسلامی رسیده است. با این وجود کشور عراق در روزگار صدام حسین، از سبقه تاریخی خود بسیار فاصله گرفته بود و شکل عربی در آن به واسطه استعمار انگلیس و به قدرت رسیدن حزب بعث، فراتر رفته بود. امام شوشتری بسیار تلاش کرد تا رنگ ایرانی را در سرزمین عراق، مهم جلوه دهد، اما اشتباه بودن نظر او در سیاست جهانی، در سال‌های پس از چاپ این مقاله روشن شد؛ کما اینکه جنگ ایران و عراق در دوره پهلوی دوم و پس از انقلاب اسلامی این را نشان داد. در مقاله‌ای تحت عنوان «دستوا در خوزستان، دستی در ری» به ارزیابی و بررسی تطبیقی دو مکان جغرافیایی پرداخته و با عنایت به گزارش‌های جغرافیایی و تاریخی بیان کرده است:

... هنوز در شوشتر ده‌های نزدیک شهر کهن را در میانآب شوشتر

همانند کُناز پیر، بُورَکی، ده‌های دستوا می‌گویند. جوی داریون را

جوی دستوا می‌نامند (امام شوشتری، ۱۳۵۰الف: ۲۳-۲۵).

او نهر داریون را جوی داریون نامیده است. محمد علی امام در این مقاله تا حدودی به پژوهش‌های باستان‌شناسی در خوزستان به ویژه شهر شوشتر نگاهی داشته است (امام شوشتری، ۱۳۵۰الف: ۲۳-۲۵).

## ۲-۶. پژوهش‌های زبان‌شناسی

## الف) زبان فارسی

امام شوشتری در مقاله «حق شناسی ملی نشانه رشد اجتماعی است» از کتیبه بیستون (بغستان) سخن به میان آورده و از کارهای بزرگ داریوش اول هخامنشی و فرمان‌هایش یاد کرده است (امام شوشتری، ۱۳۴۵: ۷۱-۷۵). او در مقاله «تیشه‌هایی که بر زبان فارسی فرود می‌آید» یادآور شده که سجع‌پردازی‌های بی‌مورد روزگار ایلخانان و تیموریان و مسئله‌گویی‌های حوزه‌های علمیه، چهره ادبیات فارسی را ناهمگون و پریشان ساخته و در دوره معاصر کسانی که به اروپا و امریکا رفته و بازگشته‌اند؛ نادانی و ناآگاهی خود را از زبان فارسی، به کاستی این زبان نسبت می‌دهند: «کار این غرب‌زدگی به جایی رسیده که فلان کفش دوز یا بهمان پینه‌دوز نام مغازه خود را آپولون یا افرودیت گذاشته است؟». نگرانی امام شوشتری نسبت به سرنوشت زبان فارسی در این مقاله نمایان است (امام شوشتری، ۱۳۴۵: ۱۰۸-۱۱۲).

او در کتاب ارزشمند خود به نام فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی به روشنی نشان داده که زبان عربی، در روزگار پیش از اسلام و به سبب مجاورت و تجارت ایرانیان و اعراب در دوران هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان، از زبان فارسی تأثیر پذیرفته و به واسطه این داد و ستدها بسیاری از واژه‌های فارسی در ادبیات عرب خصوصاً لهجه حجاز (قریش) رواج یافته است. این کتاب مهم، حاصل سه سال پژوهش امام شوشتری بوده و زوایای پنهانی را برای خوانندگان روشن ساخته است (امام شوشتری، ۱۳۴۷: ۵۵۵). شوشتری در مقاله «زبان فارسی را دریابید» نشان داده است که زبان فارسی واژه‌هایی دارد که به آسانی به زبان‌های دیگر ترجمه نمی‌شوند. او برای یکی از دوستانش نمونه‌ای آورده: لب‌خند، نرمه‌خند، نیش‌خند، زهرخند، پوزخند (امام

شوشتری، ۱۳۴۸ الف: ۳۸۵-۳۸۸). مقاله دیگری از او به نام «تاثیر شگرف ادب روزگار ساسانی در ادب روزگار عباسی» به یادگار مانده و نشان می‌دهد در دوره ساسانی هنر گفتگو یا صنعت سوال و جواب مورد علاقه مردم بوده است. به این شکل که شاعر یا نویسنده بخشی را که می‌خواهد بیان کند، از زبان دو گوینده که با یکدیگر حرف می‌زنند به شکل پرسش و پاسخ می‌نویسد یا می‌سراید (امام شوشتری، ۱۳۵۰: ۳۸-۳۹). در مقاله «سرنوشت زبان فارسی چه خواهد شد» نگرانی‌های خود را درباره سرانجام زبان فارسی نشان داده است. او بیان کرده پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵م) جهان، همانند خانه‌ای همگانی شده و ارتباطات گسترش یافته و از گسترش واژگان انگلیسی در زبان فارسی احساس نگرانی کرده و اروپا و امریکا رفتگان را از این جهت که استفاده بیش از پیش این واژگان بیگانه را نشانه مهارت و نوگرایی می‌دانند مقصر می‌داند (امام شوشتری، ۱۳۵۰: ۱۵۶۷-۱۵۸۶).

## ب) ترجمه از زبان عربی

عهد اردشیر کتابی است به قلم احسان عباس که امام شوشتری آن را به فارسی ترجمه کرده است. در مقدمه این کتاب بیان کرده است:

درباره ارج اندرزنامه اردشیر بابکان، در چهار سده‌ای که رشته شهریاری ایران به دست جانشینان اردشیر بوده است و نیز تأثیر اندیشه‌های ایرانیان در پخته کردن فکر سررشته‌داران حکومت اسلامی... این کتاب سخنان سودمندی گفته است (امام شوشتری، ۱۳۴۸: ۱).

امام شوشتری در ترجمه این کتاب، داستان‌ها و حکایت‌های مختلفی از پادشاهان ساسانی به ویژه اردشیر بابکان آورده و نشان داده که بسیاری از اندرزهای پادشاهان ساسانی در کتاب‌های فارسی همچون سیاست‌نامه، مرزبان‌نامه، گلستان و بوستان و دیگر کتاب‌های دوران اسلامی به یادگار مانده‌اند (امام شوشتری، ۱۳۴۸: ۱۳).

## ۴-۶. کشورداری پادشاهان ساسانی

امام شوشتری در مقاله «پرتوی از فرهنگ ایران در روزگار ساسانیان» بیان کرده است که حکومت در عصر ساسانیان چنان که بسیاری از ناآگاهان از تاریخ و فرهنگ ایران تصور کرده‌اند، خودکامگی و ستم‌پیشگی نبوده؛ بلکه سنت‌ها و آیین‌ها در جامعه ایران، ریشه‌دار و پابرجا بوده که نیروی کاردان حکومت را در چنبر خود پابند می‌کرد (امام شوشتری، ۱۳۴۶: ب: ۲۰۷-۲۲۷). محمد علی امام در ادامه بر این باور است که بسیاری از احکام اسلامی بازمانده حقوق ساسانیان بوده که در مذهب اهل رأی و اجتهاد (مذهب حنفی) که در عراق گسترش یافته بود، به جا مانده است (امام شوشتری، ۱۳۴۶: پ: ۴۷-۶۴). قبل از این به اندرزنامه‌ها و کارنامه اردشیر بابکان و خسرو اول انوشه‌روان اشاره شده است.

در ادامه می‌توان از سه مقاله او که درباره «دانشگاه شاپور گرد» نگاشته یاد کرد:

... اگر نگوییم نخستین و باستانی‌ترین مایه‌های اصلی تمدن آدمی همانند خط و دین و فلسفه و کشورداری و بسیاری از هنرهای زیبا در این سرزمین روئیده است گزاف نگفته‌ایم... (امام شوشتری، ۱۳۴۸: ل: ۳۳۲-۳۵۴) ... بی‌گمان هر ایرانی پاک‌سرشت و دوستدار دانش و هنر میل دارد ارزیابی کند و بداند دانشگاه شاپورگرد در چه روزگاری بنیاد نهاد شده است (امام شوشتری، ۱۳۴۸: م: ۲۵۵-۲۸۶؛ امام شوشتری، ۱۳۴۸: و: ۲۰۱-۲۲۰).

در اینجا او کوشیده ارزشمندی کار ایرانیان را نسبت به دانش و هنر نشان دهد و با نمونه‌هایی که آورده، ثابت کرده است جندی شاپور تنها به مسیحی‌ها و سریانی‌ها تعلق نداشته، بلکه این پادشاهان ایرانی بودند که چنین شهری ساخته و همواره دانشمندان را گرامی می‌داشتند؛ تا آنجا که در عصر خلافت عباسی، جندی شاپور و پزشکان آن، سرآمد خاص و عام بود.

او در مقاله «رفتارنامه انوشه‌روان به خامه خود او» بیان می‌کند قبل از این، کتابی به نام التاج فی سیره انوشیروان از فارسی به عربی ترجمه شده و ابن ندیم در الفهرست از این کتاب یاد کرده است. شوشتری در این مقاله کوشیده تا از عدالت خسرو یکم انوشه‌روان (۵۳۱-۵۷۹م) سخن‌هایی را بیاورد (امام شوشتری، ۱۳۴۸: ج: ۲۳۷-۲۵۴).

## ۳-۶. دادرسی در ایران باستان و ایران اسلامی

امام شوشتری در مقاله «دیوان دادرسی در ایران باستان» درباره ارزش عدالت، دادرسی و دادگستری در ایران باستان سخن گفته و داستان‌های مختلفی از عدالت اردشیر بابکان و خسرو انوشه‌روان آورده است:

... ایرانیان چون به داد و دادگستری ارج بسیار می‌نهادند و آن را پایه همه نیکوکاری‌ها می‌دانستند. از این رو به پاک‌ی و نیرومندی دستگاه‌های دادرسی خیلی اهمیت می‌دادند» (امام شوشتری، ۱۳۴۷: ج: ۲۳-۴۰).

محمد علی امام در مقاله «تسویه یا تفضیل در حقوق اسلامی» سعی کرده تا نشان دهد بخشی از فقه اسلامی که در آن از مسائل مالی و اقتصادی حکومت اسلام نکاتی گفته‌اند و آن را الاموال خوانده‌اند، از عصر ساسانیان به جای مانده است. او از کتاب الخراج قاضی بزرگ ابی‌یوسف و کتاب دیگری به نام الخراج نوشته یحیی پسر آدم نام برده است. به نظر او این نوع از کتاب‌ها، ترجمه شده کتاب‌های ساسانی بوده است (امام شوشتری، ۱۳۴۸: د: ۴۰-۴۹). در مقاله «تأثیر حقوق ایرانی روزگار ساسانی در گسترش حقوق اسلامی» کوشیده تا نشان دهد سیاست حاکم بر روابط نامسلمانان با یکدیگر در شام و عراق و ایران، همان سنت‌ها و آیین‌های پیش از اسلام بود که سال‌های طولانی جریان داشت؛ تا اینکه «بنی امیه ظلم را در پیش گرفته و از نام دین و خلافت جز تاراج کردن ملت‌های غیر عرب چیزی نمی‌فهمیدند و نمی‌خواستند بفهمند» (امام شوشتری، ۱۳۵۰: ج: ۵۱-۵۵).

## ۵-۶. موسیقی و هنرهای زیبای ایرانی

امام شوشتری در مقاله «تأثیر موسیقی ایرانی در موسیقی عربی» نشان می‌دهد که «بسیاری از نویسندگان عرب (کشورهای عربی) دانسته یا نادانسته می‌کوشند همه دانش‌ها و هنرهای رایج روزگار اسلامی را از آن قوم عرب و زاده اندیشه او وانمود کنند و هیچگاه دوست نمی‌دارند روزی یاد کنند که این دانش‌ها و هنرها در ایران روزگار ساسانی شناخته و رایج و پیشرفته بوده است» (امام شوشتری، ۱۳۴۷: ۳۳۱-۳۲۱). او در مقاله «آوازه هنر نقاشی ایرانی در ادبیات عرب» یادآور شده که بحتری شاعر مشهور عرب در حدود سال ۲۷۰ق شعر ایوان مداین را سروده است و ایرانیان نبرد خسرو انوشه‌روان و قیصر روم را در روزگار ساسانی در پایتختشان، تیسفون، نقاشی کرده بودند (امام شوشتری، ۱۳۴۵: ۶۷۸-۶۸۱). سپس در مقاله «آیا هنرهای زیبا در اسلام حرام است؟» افزوده است که زرتشت با «تندیس‌سازی از خدا و فرشتگان به نبرد برخاسته و اردشیر بابکان که به نوسازی دین آن پاک مرد برخاسته بود، از بت‌های مهربان (مهرپرستان) و بوداییان بسیار شکسته بود» (امام شوشتری، ۱۳۴۹: الف: ۱۶-۱۹). در مقاله‌ای با نام «هنرهای زیبای خوراک پزی و خوان آرائی در ایران باستان» چنین نوشته است:

... زمانی که تازیان در پرتو گسترش اسلام کشور عراق که کانون تمدن ایران و دلِ ایران‌شهر بود راه یافتند از جمله هنرهای زیبا که با آن آشنا شده‌اند یکی هم هنر خوراک پزی و خوان آرائی بود (امام شوشتری، ۱۳۴۷: ل: ۹۷-۱۲۴).

## ۶-۶. سان و تعلیمات نظامی در ایران باستان

امام شوشتری در کتاب پیشینه سان و رژه در ایران بخش تاریخ اسلام تا دوران تاتاران را نوشته و از تاراج‌گری‌های بیگانگان نالیده و آیین‌های نیک گذشته در عصر ساسانی را ستوده است. او گزارش داده است که: «شاهنشاهان بزرگ ساسانی آیین‌های نیکی در کشورداری به کار می‌بسته‌اند و

کوشیده‌اند تا بزرگی و نیرومندی را به ایران بازگردانند» (امام شوشتری، بی‌تا: ۱۶-۵۶). در مقاله «ورقی از تاریخ ارتش ایران: ارزش تعلیمات جنگی در عصر درخشان ساسانی» کوشیده، داستان‌هایی از عدالت‌خواهی خسرو انوشه‌روان در سپاهش را بیان کند (امام شوشتری، ۱۳۴۵: ج: ۱۰۱-۱۰۴). در پایان این بخش بهتر است دیدگاه امام شوشتری نسبت به مزدک و آیین او را هم بیاوریم که او یادآور شده از زمان‌های بسیار دور، مزدک، این مصلح اجتماعی (رفرمیست) مورد انتقاد موبدان و زمین‌داران بوده و نام گجستگ را بر او گذاشتند. امام شوشتری، او را «دین‌باوری سترگ» دانسته که با زیاده‌خواهی‌های موبدان و هیربدان و زمین‌داران بزرگ و سرمایه‌داران در افتاده و این اشراف‌زادگان او را از میان بردند. «در روزگار خلیفگان دمشق و بغداد، برای خرسندی خاطر گروه فرمانروایان و سرمایه‌داران و زمین‌داران نوحاسته که در حرمسراها در پی باده‌نوشی و خوشگذرانی بودند آیین مزدکی نکوهش‌ها و سرزنش‌ها دید و او را زندیق (زندیک) و اباحی نامیدند» (امام شوشتری، ۱۳۴۹: ب: ۵۰-۵۵). امام شوشتری در سخنرانی خود به نام «مزدک و آیین او»، کوشیده است نشان دهد مزدک پسر بامداد از مردمان فسا در فارس، نه ویران‌گر و نه اباحی بوده، بلکه مصلح اجتماعی دلسوزی بوده است که با احتکار زنان در حرمسراها، با سرمایه‌داران بزرگ و زمین‌داران نوحاسته، با انبارداران و گران‌فروشان به ستیز برخاست و می‌خواست میان توانگران و نداداران تا آنجا که بشود برابری به یادگار بگذارد (امام شوشتری، ۱۳۴۹: ب: ۵۰-۵۵).

## ۷. زندگی‌نامه عباس مهربان شوشتری

در کتاب تصوف چه بود و چه باید باشد فرزند ایشان مهرداد مهربان، زندگی‌نامه او را به شکل کاملی آورده است. عباس مهربان شوشتری در سال ۱۲۶۰ش در حیدرآباد (دکن) زاده شد. پدرش محمد علی شاعر بود و تخلص

یکی از پژوهش‌های او کارنامه ایرانیان باستان نام دارد که در سه جلد منتشر شده است. قسمت نخست آن را در هندوستان پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م) به چاپ رسیده است. در این کتاب، نویسنده گاهی درگیر موضوعات زبان‌شناسی می‌شود؛ به گونه‌ای که از اصل موضوع خارج می‌شود. درهم آمیخته شدن تاریخ و افسانه از ویژگی‌های دیگر آثار مهرین شوشتری است، برای نمونه او کوروش هخامنشی را با کی‌خسرو اوستا و شاهنامه و همچنین داریوش یکم هخامنشی را با کی‌گشتاسپ اوستا و شاهنامه یکی تصور کرده است (مهرین شوشتری، ۱۹۲۵م: ۱۲۸-۱۱۲). او به اندیشه ایرانی‌شهری علاقه‌مند بوده و چنین نگاشته است:

... ایرانشهر بر روی نقشه سرزمین دایره‌واری است که در روزگار فرخنده هخامنشی، زیر یک پرچم بود و پس از آن در روزگار اشکانیان و ساسانیان پس و پیش گشت (مهرین شوشتری، ۱۳۲۱: ۳۸/۲).

صفحات مختلفی از این کتاب، درباره اشکانیان است و باز هم در آن تاریخ و افسانه درهم آمیخته می‌شود. ضبط بسیاری از نام‌های بیگانه نظیر یونانی‌ها و رومی‌ها در این کتاب بسیار متفاوت بوده و با خوانش امروز تطبیق ندارد. برای نمونه نام «کلوپتره»، «پامپی» و «کپودکیه» که اینک «کلئوپاترا»، «پومپه» و «کاپادوکیه» خوانش می‌شود (مهرین شوشتری، ۱۳۲۱: ۳۱۶-۳۴۹).

#### ۸-۲. تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا روزگار ایلخانان

هنر نویسندگی مهرین شوشتری در تاریخ ادبیات بیش از هر علمی نمایان می‌شود. در تاریخ ادبیات ایران عصر هخامنشی نوشته عباس مهرین، کتیبه بیستون (بغستان) مورد بررسی قرار گرفته است. او خط میخی هخامنشی را در دوره پهلوی آموخته بود (مهرین شوشتری، ۱۳۴۸: ۳۹).

مهرین کتابی با نام تاریخ زبان و ادبیات ایران در عصر ساسانی تألیف نموده که پژوهشگران از آن استفاده‌های

حزین داشت و مادرش فاطمه سلطان نام داشت و هر دو از ایرانیان هندوستان بودند. عباس چند سالی در ژاپن زندگی کرد و گزارش‌هایی از جنگ ژاپن با روسیه برای روزنامه فارسی زبان جبل‌المتین در کلکته می‌فرستاد. او از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۴۰م استاد ادبیات فارسی دانشگاه میسور هند بود و از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۰م استادی ادبیات فارسی دانشگاه پنجاب لاهور را پذیرفته بود. مهرین چند سالی را در ایران گذراند و سرانجام به دلیل سالخوردگی در سال ۱۳۵۵ در گذشت (مهرین شوشتری، ۱۳۳۳: پیشگفتار). در سال‌های پایانی زندگانی، چشم‌هایش دچار درد بسیاری شد و آب مروارید باعث آسیب شدید چشم او شد. پس از آن بود که پسرش مهرداد کوشش‌های بسیاری کرد تا پژوهش‌های پدر را به چاپ رساند.

#### ۸. پژوهش‌های عباس مهرین شوشتری

##### ۸-۱. کارنامه ایرانیان باستان

عباس مهرین شوشتری در کتاب قهرمانان ایران باستان کوشیده است تاریخ روابط ایران و هندوستان را بر پایه شاهنامه و گزارش‌های تاریخی نشان دهد و سپس همانندی‌هایی میان داستان‌های شاهنامه و ریگ ودا بیان کند. او در نوشته‌های خود بسیار از شاهنامه و گرشاسب‌نامه و داستان‌های کهن اوستایی سخن گفته و کوشیده تاریخ ایران را از کهن‌ترین افسانه‌ها و اسطوره‌ها بازگو کند. نیم‌نگاهی هم به آثار بیگانگان مانند یونانی‌ها و انگلیسی‌ها داشته است (مهرین شوشتری، ۱۳۴۱: ۱۷-۳۶). شیوه نگارش او به شکل نویسندگان قدیم ایران بوده و تلاشی برای آوردن ارجاع علمی (در پیوست یا پی‌نوشت و پانویست) در پژوهش‌هایش نکرده است. می‌توان گفت مهرین از واژگان عربی زیاد استفاده کرده؛ اما گاهی در پژوهش‌هایش، واژگان ناب فارسی را گنجانده است (مهرین شوشتری، بی‌تا: ۶-۴۸).

او در این زمینه تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج ایران نام دارد. عباس مه‌رین شوشتری در این اثر کوشیده است نشان دهد در مشرق و مغرب ایران، زبان فارسی رسوخ کرده و مورد ستایش پادشاهان و امیران کشورهای همسایه قرار گرفته است (مه‌رین شوشتری، ۱۳۵۲: پ ۶ و ۱۳).

#### ۳-۸. پژوهش‌هایی درباره اسلام و قرآن مجید

عباس مه‌رین شوشتری دانش زیادی در زبان عربی داشت و کتاب‌هایی در زمینه قرآن و اسلام به نگارش درآورد. نخستین کتاب او فرهنگ لغات قرآن بوده که در آن واژه‌های قرآنی را ریشه‌یابی کرده است و درباره واژه‌های عربی با ریشه فارسی نمونه‌های نابی ذکر کرده است؛ برای نمونه واژه اباریق که جمع ابریق می‌باشد، در اصل آبریز فارسی بوده است (مه‌رین شوشتری، ۱۳۵۹: ۱۰). او کتاب‌هایی به عربی و انگلیسی درباره اسلام نوشته است. از جمله خاتم النبیین ۱۹۴۰م در بنگلور، جنوب هند و Islamic culture به زبان انگلیسی ۱۹۴۱م در دانشگاه میسور (مه‌رین شوشتری، ۱۳۵۹: پیشگفتار).

#### ۹. نتیجه‌گیری

باستان‌گرایی در دوره قاجار شکل گرفت و در دوره پهلوی توسعه یافت. انتقادهای بسیاری به این شیوه در تاریخ معاصر ایران شده است. نویسندگان و مدیران مجله‌های کاهو و ایرانشهر، بر آن بودند که بزرگی دوره هخامنشی و اشکانی و ساسانی را برای ایرانیان یادآور شوند و روح ملت ایران را از زیر فشار استعمارگران روسی و انگلیسی نجات دهند. تاریخ معاصر ایران، نویسندگان، مورخان و شاعران باستان‌گرای بسیاری به خود دیده است. از جمله تاریخ‌نگارانی همچون حسن پیرنیا، غلامرضا رشید یاسمی، رضا رضازاده شفق، عنایت‌الله رضا، عباس اقبال آشتیانی، ادیبانی همچون ابراهیم پورداوود، محمد قزوینی، محمدتقی بهار، علی‌اکبر دهخدا،

فراوانی کرده‌اند. عباس مه‌رین به مانند امام شوشتری نویسنده‌ای پرکار بوده و پژوهش‌های مهمی نگاشته است. در کتاب دیگرش با عنوان تاریخ زبان و ادبیات ایران در عصر خلافت عرب، تلاش کرده برای دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد خود در دانشگاه میسور و پنجاب جزوه کوتاهی فراهم کند. در این کتاب، صفحاتی در شرح حال سرداران ظالم اموی همچون حجاج بن یوسف ثقفی، قتیبه بن مسلم و محمد بن قاسم ثقفی آورده و آن‌ها را مدح کرده است (مه‌رین شوشتری، ۱۳۵۱: ۲۵). در صفحات دیگری از این کتاب، اتفاقات صدر اسلام و رشادت‌های هرمان سردار دلیر ایرانی در خوزستان و به ویژه شهر شوشتر را آورده و از بزرگ‌منشی و کاردانی‌های او گزارش‌های بسیار داده است (مه‌رین شوشتری، ۱۳۵۱: ۲۳). در این پژوهش، مه‌رین شوشتری بر غارت‌گری‌های خلفای اموی و عباسی سخت‌تاخته و درباره نابودی آثار ایران باستان همچون آیین‌نامه‌ها و اندرزنامه‌ها و تاج‌نامه‌های عصر ساسانی افسوس خورده و نام افرادی که این آثار را از فارسی به عربی ترجمه کرده‌اند ذکر کرده است (مه‌رین شوشتری، ۱۳۵۱: ۲۹).

پژوهش دیگر او «تاریخ زبان و ادبیات ایران در عصر سامانیان و غزنویان» نام دارد. او در این اثر، شیوه حکومت سامانیان را ستوده که همچون اجداد خود ساسانیان به دانش و احترام محققان اصرار داشته و آیین‌نامه‌ها و اندرزنامه‌ها و جشن‌های قدیم همچون نوروز، مهرگان و سده را مهم می‌دانستند (مه‌رین شوشتری، ۱۳۵۲ الف: ۱۰ و ۱۹). کتاب دیگرش که تحت عنوان تاریخ زبان و ادبیات ایران از زمان طغرل سلجوقی تا عصر هلاکوی چنگیزی بوده نشان از آن دارد که مه‌رین تا اندازه‌ای زبان سانسکریت، اوستایی، اردو، عربی و انگلیسی را فرا گرفته و در نویسندگی از آن‌ها، بهره برده است (مه‌رین شوشتری، ۱۳۵۲ ب: ۳۹). آخرین کتاب

- امام شوشتری، محمد علی. ب. «پرتوی از فرهنگ ایران در روزگار ساسانیان»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال دوم، ش ۲، صص ۲۰۷-۲۲۷، ۱۳۴۶.

- امام شوشتری، محمد علی. ب. «تأثیر شکرگف ادب روزگار ساسانی در ادب روزگار عباسی»، نشریه هنر و مردم، ش ۱۰۷-۱۰۸، صص ۳۹-۳۸، ۱۳۵۰.

- امام شوشتری، محمد علی. ب. «حق شناسی ملی نشانه رشد اجتماعی است»، نشریه وحید، سال چهارم، ش ۱، صص ۷۱-۷۵، ۱۳۴۵.

- امام شوشتری، محمد علی. ب. «کشور عراق از دیدگاه فرهنگ و تمدن رنگ ایرانی دارد نه عربی»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال سوم، ش ۳، صص ۱۹۳-۲۰۰، ۱۳۴۷.

- امام شوشتری، محمد علی. ب. «مزدک و آیین او؟»، مجله انجمن فرهنگ ایران باستان، صص ۵۰-۵۵، ۱۳۴۹.

- امام شوشتری، محمد علی. ب. «نقش پیشوندها و پسوندها در زبان فارسی»، نشریه وحید، سال ششم، ش ۷، صص ۵۸۶-۵۹۳، ۱۳۴۸.

- امام شوشتری، محمد علی. ب. «پرتوی از فرهنگ ایران در روزگار ساسانیان»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال دوم، ش ۳ و ۴، صص ۴۷-۶۴، ۱۳۴۶.

- امام شوشتری، محمد علی. ب. «تیشه‌هایی که بر زبان فارسی فرود می‌آید»، نشریه وحید، سال چهارم، ش ۲، صص ۱۰۸-۱۱۲، ۱۳۴۵.

- امام شوشتری، محمد علی. ب. «سرنوشت زبان فارسی چه خواهد شد»، نشریه وحید، سال نهم، ش ۱۱، صص ۱۵۶۷-۱۵۸۶، ۱۳۵۰.

- امام شوشتری، محمد علی. ب. عهد اردشیر، (ترجمه)، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸.

- امام شوشتری، محمد علی. ب. فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۷.

- امام شوشتری، محمد علی. ج. «دیوان دادرسی در ایران باستان»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال سوم، ش ۳، صص ۲۳-۴۰، ۱۳۴۷.

- امام شوشتری، محمد علی. ج. «رفتارنامه انوشه روان به خامه خود او»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال چهارم، ش ۵ و ۶، صص ۲۳۷-۲۵۴، ۱۳۴۸.

- امام شوشتری، محمد علی. ج. «ورقی از تاریخ ارتش ایران: ارزش تعلیمات جنگی در عصر درخشان ساسانی»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال اول، ش ۴، صص ۱۰۱-۱۰۴، ۱۳۴۶.

سعید نفیسی و شاعرانی همچون مهدی اخوان ثالث، سیاوش کسرای و فریدون مشیری.

تاریخ‌نگاران شوشتری که از خاندان‌های علمی و فرهنگی این شهر برخاسته بودند در آثار خود از باستان‌گرایی استفاده کردند. این پژوهش بنا بر شواهد و استنادهای تاریخی و ادبی کوشید تا نشان دهد محمد علی امام و عباس مه‌رین شوشتری در دوره پهلوی از چه نوع باستان‌گرایی در آثارشان استفاده کرده‌اند. پژوهش حاضر سپس مقالات و کتاب‌های گوناگون آن‌ها را تقسیم بندی کرد و زوایای پنهان آن‌ها را مورد ارزیابی قرار داد. البته باید افزود که بخشی از نوشته‌ها و پژوهش‌های مه‌رین شوشتری به دلایل گوناگونی در دسترس نویسنده مقاله نبوده است.

#### کتابنامه

- احمدپور، علی، «گفتمان هویتی تجددگرایان ایرانی در انقلاب مشروطیت»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، ش ۴، صص ۳۲۳-۳۴۵، ۱۳۸۸.

- احمدپور، علی، رمز و رمزگرایی در اشعار مهدی اخوان ثالث، مشهد: ترنج، ۱۳۷۴.

- امام شوشتری، محمد علی. الف. «آیا هنرهای زیبا در اسلام حرام است؟»، نشریه هنر و مردم، ش ۹۵، صص ۱۶-۱۹، ۱۳۴۹.

- امام شوشتری، محمد علی. الف. «دریای مکران و پارس»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال سوم، ش ۲، صص ۳-۱۸، ۱۳۴۷.

- امام شوشتری، محمد علی. الف. «دستوا در خوزستان، دستی در ری»، نشریه هنر و مردم، ش ۱۱۱، صص ۲۳-۲۵، ۱۳۵۰.

- امام شوشتری، محمد علی. الف. «زبان فارسی را دریابید»، نشریه وحید، سال ششم، ش ۵، صص ۳۸۵-۳۸۸، ۱۳۴۸.

- امام شوشتری، محمد علی. الف. «سرزمین پهلویان در روزگار ساسانی و اشکانی»، نشریه بررسی‌های تاریخی، سال دوم، ش ۶، صص ۱۵۳-۱۶۷، ۱۳۴۶.

- امام شوشتری، محمد علی. الف. «یک لشکر کشتی تاریخی از راه خلیج فارس»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال اول، ش ۵-۶، صص ۸۸-۶۹، ۱۳۴۵.

- امام شوشتری، محمد علی. د. «تأثیر موسیقی ایرانی در موسیقی عربی»، نشریه وحید، سال پنجم، ش ۴، صص ۳۲۱-۳۳۱، ۱۳۴۷.
- امام شوشتری، محمد علی. د. «تسویه یا تفضیل در حقوق اسلامی»، مجله معارف اسلامی، ش ۹، صص ۴۰-۴۹، ۱۳۴۸.
- امام شوشتری، محمد علی. ل. «دانشگاه شاپورگرد»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال چهارم، ش ۱، صص ۳۳۲-۳۵۴، ۱۳۴۸.
- امام شوشتری، محمد علی. ل. «هنرهای زیبای خوراک‌پزی و خوان‌آرانی در ایران باستان»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال اول، ش ۳، صص ۹۷-۱۲۴، ۱۳۴۷.
- امام شوشتری، محمد علی. م. «دانشگاه شاپورگرد»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال چهارم، ش ۲ و ۳، صص ۲۵۵-۲۸۶، ۱۳۴۸.
- امام شوشتری، محمد علی. و. «دانشگاه شاپورگرد»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال چهارم، ش ۴، صص ۲۰۱-۲۲۰، ۱۳۴۸.
- امام شوشتری، محمد علی، «یک سکه نادرالوجود»، مجله ارمغان، دوره ۳۱، ش ۸۰، صص ۳۷۷-۳۷۹، ۱۳۴۱.
- امام شوشتری، محمد علی، پیشینه سان و رژه در ایران، بخش دوم، تهران: وزارت فرهنگ، بی‌تا.
- امام شوشتری، محمد علی، تاریخ جغرافیایی خوزستان، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۱.
- بهنام، جمشید، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۴.
- بهنام، جمشید، برلنی‌ها (اندیشمندان ایرانی در برلن)، تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۹.
- بیگدلو، رضا، باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران، تهران: مرکز، ۱۳۸۰.
- پارسی‌پور، ایرج، روشنفکران ایرانی و نقد ادبی، تهران: سخن، ۱۳۸۰.
- سلیمانی، غلامعلی و علی آزر می، «ملی‌گرایی باستان‌گرا و بحرانی در هویت انسان ایرانی»، دو فصلنامه انسان پژوهی دینی، سال چهاردهم، ش ۳۷، صص ۲۰۷-۲۲۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
- شرف‌الدین شوشتری، محمد مهدی، تاریخ شوشتر، بی‌جا: بی‌تا، بی‌تا.
- قطران تبریزی، ابومنصور، دیوان حکیم قطران تبریزی، تصحیح محمد نخجوانی، تبریز: چاپخانه شفق، ۱۳۳۳.
- مهرین شوشتری، عباس. الف. تاریخ زبان و ادبیات ایران در سامانیان و غزنویان، تهران: مانی، ۱۳۵۲.
- مهرین شوشتری، عباس. ب. تاریخ زبان و ادبیات ایران از زمان طغرل سلجوقی تا عصر هلاکوی چنگیزی، تهران: مانی، ۱۳۵۲.
- مهرین شوشتری، عباس. پ. تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج ایران، تهران: مانی، ۱۳۵۲.
- مهرین شوشتری، عباس، تاریخ ادبیات ایران عصر هخامنشی، تهران: بی‌تا، ۱۳۴۸.
- مهرین شوشتری، عباس، تاریخ زبان و ادبیات ایران در عصر خلافت عرب، تهران: مانی، ۱۳۵۱.
- مهرین شوشتری، عباس، تصوف چه بود و چه باید باشد، تهران: عطایی، ۱۳۳۳.
- مهرین شوشتری، عباس، قهرمانان ایران باستان، تهران: عطایی، ۱۳۴۱.
- مهرین شوشتری، عباس، کارنامه ایرانیان باستان، ج ۱، هندوستان: بی‌تا، ۱۹۲۵ م.
- مهرین شوشتری، عباس، کارنامه ایرانیان باستان، ج ۲، تهران: چاپخانه بانک ملی، ۱۳۲۱.
- مهرین شوشتری، عباس، کیش‌های ایرانی در عصر ساسانی، تهران: آسیا، بی‌تا.
- میلانی، عباس، تجدد و تجدد ستیزی در ایران، تهران: اختران، ۱۳۸۲.
- نظری، علی اشرف، «ناسیونالیسم و هویت ایرانی؛ مطالعه موردی دوره پهلوی اول»، پژوهش‌نامه حقوق و سیاست، سال نهم، ش ۲۲، صص ۱۴۱-۱۷۲، تابستان ۱۳۸۶.
- نیرومند، محمد باقر، یادی از شوشتر، تهران: انجمن مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴.
- همایون فرخ، رکن‌الدین، «شادروان سید محمد علی امام شوشتری»، نشریه هنر و مردم، ش ۱۲۲، صص ۳۵-۳۶، ۱۳۵۱.
- همایون فرخ، رکن‌الدین، «شرح مختصر زندگی سید محمد علی امام شوشتری»، نشریه وحید، ش ۱۰۷، صص ۹۳۴-۹۳۶، ۱۳۵۱.